



۲۰۱۶/۰۷/۲۴



ولی احمد نوری

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و حقایق تاریخ

در اوایل سال ۲۰۰۵ میلادی، رادیو تلویزیون بی بی سی پروژه مصاحبه تاریخی را با اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان (۱۹۳۳-۱۹۷۷) رویدست گرفت. این مصاحبه که چندین ساعت دوام نمود توسط ژورنالیست ورزیده بی بی سی "میرمن مینه بکناش" با موفقیت چشم گیری انجام شد. و در اواسط همان سال بر علاوه آنکه از امواج رادیو تلویزیون بی بی سی پخش گردید، روی صفحه انترنتی آنها هم گذاشته شد. سپس انتشار این مصاحبه که در چهار قسمت پخش شده بود توسط افغانهای سراسر جهان، روی هزاران CD و DVD ثبت گردید و در داخل و خارج افغانستان به هزاران خانه و دل های مردم سفر کرد.

افغان های واقع بین و آگاه با دیدن این راپورتاژ بی بی سی و همچنین با دیدن فیلم مستند "عتیق رحیمی" نویسنده مطرح و دانشمند افغان که همین اکنون در صفحه اول «آریانا افغانستان آنلاین» گذاشته شده، از گذشته های دشوار وطن، آگاه از عنعنات و بستگی های مردم به رسم و رواج های کهن قبیله ای، آگاه از مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور و آگاه از روابط پیچیده همسایگان افغانستان، سخنان پادشاه خود را به گوش دل شنیدند و حض بر دند و به او، به سادگی اش، به عجز و تواضع اش، به شخصیت و متانتش بالیدند و افتخار کردند.

ولی هستند فرزندان ناخلفی که نه تنها حرف های پادشاه عادل و عارف کشور بر دل های سیاه شان ننشست، بلکه سخنان ایشان را با افکار مسموم و نهاد های خصومت بار و روان های عقده پی خویش تحریف کردند و بی شرمانه و بی احترامانه، پائین و بالا گفتند، عف کردند و خواستند به ایشان بتازند، غافل از آنکه تاختن بر چنین بزرگ



مردی کار ساده و آسان نیست. همانگونه که یکتعداد نویسندگان ما که خود را "مؤرخ" جا زده اند و اصلاً از راه امانت داری نگذشته اند در کتاب های قَطور و حجیم خود اراجیفی را پیرامون ایشان ثبت کرده اند. و وظیفه وجدانی، ایمانی و امانتداری در راه تأریخ را فراموش نموده اند.

بلی از یاد برده اند که در مدت سلطنت چهل ساله این بزرگمرد، زعامت سه دهه این دوره بدست قدرتمندان دگر بوده است. و فراموش کرده اند که در سال ۱۹۳۳م بعد از شهادت اعلیحضرت محمد نادر شاه، سردار محمد هاشم خان برادرش، از همه پیشی گرفته و بر اوضاع مملکت مسلط شد. و با استفاده از اداره و دسپلین شدیدی که داشت بر علاوه حفظ صلاحیت های مقام صدارت

افغانستان، همه صلاحیت های مقام سلطنت و زعامت عالی کشور را نیز در دست گرفته، محمد ظاهرشاه، پادشاه جوان را که از ۱۹ سال بیش نداشت، از مرکز قدرت به حاشیه راند.

تبصره ها :

"نوشته فرهاد میرزا امید شماره ۷۲۹ دهم اپریل ۲۰۰۶

۱- راجع به اینکه در آوان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه همه امتیازات و کرسی های بزرگ کشور به خویش و قوم پادشاه تعلق داشت، و برای دیگران ارزشی قایل نمی شدند. اگر صدارت محمد هاشم خان یا بگوئیم پادشاهی او را در نظر بگیریم، زمانیکه پادشاه واقعاً قدرت سلطنت را بدست داشته است، همان طوری که قدم های به سوی دیموکراسی برداشته است، در قسمت تعیین اعضای کابینه و دیگر مشاغل و کارهای بزرگ دولت، از جمله سفارت خانه ها، والی ها و بعضی کرسی های بزرگ دیگر نیز به تدریج تحولات و تغییراتی آمده و اکثر این کارها بدون در نظر داشت مذهب و قوم به اشخاص مجرب، فهیم، طرف اعتماد و اهل کار سپرده شده است و برای ثبوت این ادعا کابینه سردار محمد هاشم خان را با آخرین کابینه صدارت محمد موسی شفیق مقایسه می کنیم و قضاوت را به خوانندگان محترم می گذاریم.

کابینه سردار محمد هاشم خان: وزیر حربیه سپهسالار شاه محمودخان، وزیر داخله محمد گل خان مومند، وزیر خارجه فیض احمدخان زکریا، وزیر عدلیه حضرت فضل احمد مجددی، وزیر صحیه غلام یحیی خان طرزی، وزیر مالیه مرزا محمد نوروز خان، وزیر معارف سردار محمد نعیم خان، وزیر تجارت عبدالمجید خان زابلی، رئیس پوست و تلگراف (وزیر مخابرات) سلطان احمد شیر زوی، وزیر فواید عامه محمد کبیر لودین.

۲- نسبت عدم دسترسی به منابع مستند که در چهل سال پادشاهی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه چه کارها و خدماتی انجام یافته، متأسفانه نمی شود معلومات مکمل و ثقه خدمت خوانندگان محترم تقدیم کرد، اما یک نظر اجمالی به مکاتب، پوهنتون ها، شفاخانه ها، بند های آب (نعلو، ماهی پر، سروبی، داله، لشکرگاه، پل خمیری و غیره) برای آبیاری و استحصال انرژی برق، تعمیر شاهراه های عصری که مراکز را به ولایات و تقریباً همه ولایات را با یکدیگر وصل کرده بود، کشیدن کانال ها و چاه های عمیق برای آبیاری و آب آشامیدنی، پروژه های بسیار مفید و رهنمائی هایی در قسمت زراعت و مواشی، استعمال تخم بهتر، کود کیمیاوی، سیستم آبیاری عصری و دوا پاشی) بازار یابی و رهنمائی های مفید در قسمت صادرات پشم، بخته، میوه های تازه و خشک، پوست قره قل، قالین، گلیم و غیره، ساختن فابریکات نساجی از قبیل پشمینه بافی کابل، نساجی جبل السراج، گلبهار، پلخمیری (بکمک آلمان ها)، فابریکه نساجی مزار شریف (بکمک فرانسوی ها)، و فابریکه بزرگ نساجی پل چرخی (به کمک کشور چین)، ایجاد فابریکات سمنت جبل السراج، غوری و هرات با ظرفیت صدها تن سمنت در روز، ساختمان فابریکات جن و پارس پخته، روغن نباتی و صابون در قندز، تولید شکر و پنیر در بغلان (بکمک کشور سوئیس)، فابریکات تولید کود کیمیاوی و برق در مزار شریف ولایت بلخ، دستگاه تصفیه گاز طبیعی و استخراج پترول در شیرغان، دستگاه های حجاری و نجاری و ترمیم موتر در جنگل کابل... و به یقین صدها پروژه دیگر که همه رساننده آنست که بگوئیم درین مدت چهل سال یکسلسله کارها و خدمات مفید (باوجود عدم کدر های کافی تعلیم یافته، فقر بوجوی کشور و هزاران مشکل دیگر اقتصادی) انجام یافته است. طوریکه در بالا گفتیم میتوانست به پیمان و حجم و سرعت زیادت و بیشتر صورت بگیرد که متأسفانه نگرفته است. اما اینکه بگوئیم هیچ کار و خدمتی صورت نگرفته و هنوز هم برآن سنگ نشسته و میگوئیم ما به فرصت میرویم، درست نیست و بسیار دور از حقیقت و عدالت است. پاریس، می ۲۰۰۶م